**درس خارج فقه استاد سید محمد جواد شبیری**

**جلسه282– 23 /06/ 1399 کلام حاج آقا تقی قمی / عده‌ی حامل/ اقوال فقها در عده**

**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در عده‌ی مطلقه‌ی حامل بود. پس از بیان کلام صاحب جواهر، کلام حاج آقا تقی قمی را بیان کردیم و در این جلسه به ادامه‌ی بحث در مورد کلام ایشان می پردازیم.

# کلام حاج آقا تقی قمی و اشکال آن

حاج آقا تقی قمی روایاتی را که عده‌ی مطلقه‌ی حامل را اقرب الاجلین بیان کرده اند، مخصص روایاتی دانست که عده‌ی مطلقه‌ی حامل را وضع حمل دانسته اند.

گفتیم تخصیص صحیح نیست و تعارض این دو دسته روایت، محکّم است و روایات وضع حمل به دلیل قطعی الصدور بودن ترجیح دارند.

اشکال کلام مرحوم حاج آقا تقی قمی این است که با پذیرش تخصیص، روایاتی که عده‌ی مطلقه‌ی حامل را وضع حمل می دانند، حکم افراد نادر ( غیر غالب) را بیان می کنند که عرفی نمی باشد.

همچنین خیلی بعید است که شارع بر اساس این روایات متعرض بعضی موارد شده باشد و به اکثریت موارد اشاره نکرده باشد.

حتی اگر دسته ای از روایات عده را به وضع حمل می دانستند و دسته‌ی دیگر عده را ابعد الاجلین بیان کرده بودند و وضع حمل شامل اغلب موارد می بود، باز هم عرفا بین این دو دسته روایت تنافی وجود داشت.

# تفاوت اقرب الاجلین و ابعد الاجلین

معنای اقرب الاجلین این است که هر کدام از دو اجل ( ثلاثة و وضع حمل) زودتر واقع شد، عده به واسطه‌ی آن سپری می شود. معنای ابعد الاجلین این است که هر دو اجل ( «اربعة اشهر و عشرا» و «وضع حمل» در عده‌ی وفات) باید واقع شود و عاملی که موجب انقضاء عده می شود، مجموع الامرین است؛ یعنی اثر مستند به هر دو می باشد؛ نه آن که دیرتر واقع می شود. در نتیجه در صورتی که وضع حمل دیرتر اتفاق می افتد، نمی توان گفت انقضاء عده به وضع حمل می باشد؛ بلکه انقضاء عده مستند به هر دو می باشد.

# موافقت کتاب، مرجح روایات وضع حمل

مرجح دوم در تعارض بین دو دسته روایتی که حاج آقا تقی قمی بیان کرد، ترجیح موافق کتاب بر مخالف کتاب می باشد.

آیه‌ی اولات الاحمال، عده‌ی همه‌ی زنان مطلقه‌ی حامل را وضع حمل بیان کرده است. در نتیجه روایاتی که عده‌ی مطلقه‌ی حامل را وضع حمل دانسته اند، موافق قرآن می باشند و روایاتی که عده‌ی مطلقه‌ی حامل را اقرب الاجلین بیان کرده اند، مخالف قرآن می باشند؛ زیرا روایتی که نسبت به آیه‌ی قرآن اخص مطلق می باشد به خاطر وجود روایت معارض، با آیه‌ی قرآن قابل جمع نیست و مخالف قرآن به حساب می آید.

در نتیجه روایات وضع حمل ( موافق کتاب) بر روایات اقرب الاجلین ( مخالف کتاب) مقدم است.

البته در محل بحث ما روایت اقرب الاجلین صرف نظر از روایت معارض، با آیه‌ی قرآن قابل جمع نمی باشد؛ زیرا تخصیص آیه به واسطه‌ی روایت اقرب الاجلین موجب می شود، آیه‌ی قرآن به بعضی از موارد اختصاص یابد که صحیح نیست؛ در نتیجه این روایت مخالف قرآن بوده و شرط حجیت ذاتی را ندارد.

# اقربِ امکانی

همه‌ی این بحث ها در صورتی است که روایت اقرب الاجلین را مانند مرحوم حاج آقا تقی قمی معنا کنیم؛ اما ممکن است عدم جمع این روایت با آیه‌ی قرآن قرینه شود بر این که اقرب الاجلین را اقربِ امکانی در نظر بگیریم؛ یعنی اقرب الاجلین همان وضع حمل است که می تواند یک لحظه پس از طلاق باشد.

تعبیر اقرب الاجلین در مورد وضع حمل به خاطر فتوای عامه می باشد. عامه عده‌ی حامل را در طلاق و غیر طلاق، وضع حمل می دانند و معتقدند اگر متوفی هنوز غسل داده نشده باشد و همسرش وضع حمل کند، عده‌ی زن منقضی شده و می تواند ازدواج کند.

در روایات ما تاکید شده است که عده‌ی وفات حامل، ابعد الاجلین می باشد. روایت اقرب الاجلین در واقع بیان گر فرق بین عده‌ی وفات و عده‌ی طلاق در حامل می باشد. در عده‌ی طلاق امکان دارد زن خیلی سریع بتواند ازدواج کند؛ زیرا ممکن است وضع حمل یک لحظه پس از طلاق باشد؛ اما در عده‌ی وفات زن نمی تواند سریع ازدواج کند؛ زیرا حتما باید چهار ماه و ده روز و وضع حمل، هر دو واقع شود تا عده منقضی شود.

دو روایت دیگر که اقرب الاجلین را بیان کرده اند، صحیحه‌ی ابی بصیر و صحیحه‌ی حلبی می باشد.

## صحیحه‌ی ابی بصیر

أَبُو عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيُّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ وَ أَبُو الْعَبَّاسِ الرَّزَّازُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ نُوحٍ جَمِيعاً عَنْ صَفْوَانَ عَنِ ابْنِ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع‏ طَلَاقُ الْحُبْلَى وَاحِدَةٌ وَ أَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هُوَ أَقْرَبُ‏ الْأَجَلَيْنِ‏.[[1]](#footnote-1)

## صحیحه‌ی حلبی

عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ حَمَّادٍ عَنِ الْحَلَبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: طَلَاقُ الْحُبْلَى وَاحِدَةٌ وَ أَجَلُهَا أَنْ تَضَعَ حَمْلَهَا وَ هُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ.[[2]](#footnote-2)

با توجه به اقربِ امکانی که بیان شد، مراد از این روایات روشن می شود که اقرب الاجلین همان وضع حمل می باشد که می تواند بسیار کوتاه باشد.

صاحب جواهر «واو» را در وَ هُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ حالیه دانسته است؛ زیرا اقرب الاجلین می تواند وضع حمل باشد و یا ثلاثة باشد. طبق این بیان معنای روایت چنین است: عده‌ی مطلقه‌ی حامل وضع حمل می باشد در حالی که اقرب الاجلین می باشد؛ یعنی عده‌ی مطلقه‌ی حامل همیشه وضع حمل نمی باشد، بلکه اگر وضع حمل، اقرب الاجلین باشد، موجب انقضاء عده می شود.

ممکن است گفته شود این دو صحیحه در مقام بیان مواردی است که وضع حمل، سبب انقضاء عده می شود.

اما با توجه به این که عده‌ی مطلقه‌ی حامل گاهی وضع حملی است که زودتر از ثلاثة می باشد و گاهی ثلاثه ای می باشد که زودتر از وضع حمل هست، خیلی بعید است که از دو عاملِ دخیل در انقضاء عده، فقط یکی از آن ها ذکر شده باشد؛ بنابراین نمی توان گفت واو در وَ هُوَ أَقْرَبُ الْأَجَلَيْنِ حالیه می باشد.

دو عامل سبب انقضاء عده می شود، چرا وضع حمل در این روایت ذکر شده است؟ آیا نمی شد هیچ کدام ذکر نشود و به اقرب الاجلین کفایت شود؟

ممکن است گفته شود این دو روایت ناظر به موارد «ثلاثة» نمی باشد و فقط در مواردی که وضع حمل زودتر از ثلاثة می باشد، عده را به وضع حمل دانسته است و در مواردی که ثلاثة زودتر از وضع حمل می باشد، روایت ساکت است. باز هم اشکال می شود که چرا نسبت به بعضی از موارد سکوت کرده است؟ به خصوص این که حکم اقلیت را بیان کرده است و اکثریت را بیان نکرده است.

بعضی از آیات در مقام بیان خصوصیات نیستند. مثلا آیه‌ی قرآن می فرماید: «آتوا الزکاة»، و پس از بیان خصوصیات، مشخص می شود که بر اکثر مکلفین زکات واجب نیست. در چنین مواردی که آیه در مقام بیان اصل تشریع حکم است و در مقام بیان شرایط و خصوصیات نیست، شمول حکم نسبت به اقلیت اشکال ندارد.

اما در آیه‌ی اولات الاحمال که عام می باشد، عدم بیان موارد متعارف و اکثریت، بسیار مستبعد می باشد.

به خصوص آن که در صدر این آیه «ثلاثة» مطرح شده است: ﴿وَ اللاَّئِي يَئِسْنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنِ ارْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلاَثَةُ أَشْهُرٍ وَ اللاَّئِي لَمْ يَحِضْنَ وَ أُولاَتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَ مَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرا﴾[[3]](#footnote-3)

خیلی بعید است که در ابتدای آیه عده‌ی سه ماهه را بیان کرده باشد و سپس عده‌ی مطلقه‌ی حامل را که اکثر افراد آن نیز سه ماه می باشد، بیان نکند و موارد غیر غالب آن را که وضع حمل می باشد، بیان کند.

# نتیجه

در نتیجه عده‌ی مطلقه‌ی حامل، مطلقا وضع حمل می باشد. روایت ابوالصباح کنانی به اقرب امکانی حمل می شود که همان وضع حمل می باشد، اگر این حمل را نپذیریم، این روایت از حجیت ساقط می شود.

1. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص82.](http://lib.eshia.ir/11005/6/82/بصیر) [↑](#footnote-ref-1)
2. [الکافی، محمد بن یعقوب کلینی، ج6، ص82.](http://lib.eshia.ir/11005/6/82/حماد) [↑](#footnote-ref-2)
3. سوره طلاق، آيه 5. [↑](#footnote-ref-3)